

mofasser@myway.com

نزدیک به سی سال پیش زمانی که دانشجوی رشته جامعه‌شناسی دانشگاه ملی ایران بودم، مجله نگین را که به همت آقای دکتر محمود عنایت منتشر می شد به خاطر مطالبی که در زمینه علوم اجتماعی داشت با علاقه مطالعه می کردم و خیلی شیفته قلم دکتر محمود عنایت بودم که سرمقاله های آن را می نوشت. در آن زمان دکتر عنایت به سفر حج رفت و این کار گویا از سوی برخی کسانی که او را می شناختند، مورد سوال و انتقاد قرار گرفته بود. وی در سر مقاله نگین ضمن پاسخ به انتقادات، در بحث در مورد فلسفه و هدف اصلی به زیارت کعبه رفتن، رفتار برخی زائران را که در بازگشت کالاهایی مثل تلویزیون رنگی که در عربستان ارزان می شد خرید به همراه می آوردند تا به این ترتیب سودی کسب کنند، مورد انتقاد قرار داده و آن را دور شدن از هدف به سفر حج و زیارت کعبه رفتن دانسته بود. در همین سرمقاله که عنوان «پیاده عاج و پیاده حاج» داشت، و «حاجی شدن» را آن گونه که باید به آن نگریسته می شد به وضع مهره پیاده در صفحه شطرنج تشبیه کرده بود که با گذشتن از مراحل دشوار و رسیدن به آخرین خانه در طرف مقابل به بالا ترین ارزشها در صفحه شطرنج دست می یافت و به بالاترین مهره ها، می توانست تبدیل شود. شاید سه چهار سال و شاید کمتر (چون زمان انتشار مقاله دقیقا بادم نیست) بعد از زمان انتشار مقاله، در ایران انقلابی رخ داد، شاه سرنگون شد و امام خمینی با ملا خور کردن انقلاب ایران به یاری فضا سازیهای رسانه های امپریالیستی و استفاده از احساسات مذهبی و نا آگاهی لایه های پایین و تحقیر شده جامعه، یک حکومت دینی بر مبنای احکام اسلام بنا نهاد که تحکیم آن تنها با سرکوبی و کشتار بی امان آزادیخواهان و نیروهای ترقی خواه ممکن بود که در واقع سازمان دهندگان اعتصابات سراسری علیه رژیم شاه بودند که آن رژیم را از پا انداخت و البته امام خمینی با قاطعیت این راه را پیش گرفت. از این جا بود که «حاج آقا» عنوان عمومی شکنجه گران و حکام شرع و دادستانهای دادگاه انقلاب اسلامی شد، که اکنون چند سالی است که جنایات فجیعی که آنان - که با حکم خمینی به ستمهایی که داشتند منصوب شده بودند - از زبان برخی از عناصر و مهره های دهه

یادداشت و گزارش

ا.ش. مفسر

پیاده عاج و پیاده حاج

جامعه در آن زمان از یک سو و نفرت خمینی از آنان و عزم قاطع او به سرکوبی آنان از سوی دیکراست. این سخنرانی با تیترا «امام خمینی استراتژی مبارزه را اعلام کرد» در روزنامه کیهان ۵ خرداد ۱۳۵۸ چاپ شده است. قسمتهایی از آن سخنرانی را اینجا نقل می کنم: «...این جمعیهایی که حالا در شرف تکوین است یا تکوین شده و دارند خودشان را تقویت می کنند و مردم را از اطراف جذب می کنند... اگر اشخاصی باشند که صد در صد ملی به خیال شما یا به خیال خودشان هستند، اگر اشخاصی که دم از آزادی می زنند، دم از استقلال می زنند، لکن در نوشته هایشان از خدا خبری نیست، از اسلام خبری نیست، از جمهوری اسلامی خبری نیست، اینها همانطور که شیطان از بسم الله می ترسد، اینها از اسلام می ترسند... جوانهای ما که خون دادند و به خیابان ریختند، بانوان که به خیابان ریختند و تظاهر کردند و با مشت گره کرده این دشمن بزرگ را از بین بردند باید دید که اینها اشخاصی بودند که دموکراتیک بودند و مسلکشان دموکراتیک بود. اینها جمهوری می خواستند مثل جمهوری که شوروی می خواهد، شوروی هم جمهوری است مثل جمهوری که سایر ممالک دشمن ما می خواهد، آمریکا هم جمهوری است... شما که شهادت را برای خودتان فوز می دانید برای این است که مثل سویییس بشوید. شما

اول انقلاب باز گو و افشا می شود که آخرین نمونه آن اظهارات اخیر منتظری در مورد جنایات آخوند نیری رئیس کنونی دیوانعالی کشور است. این حاج آقاها البته همه آدمهایی مومن و متدین بودند و همگی جنایات خود را امری مقدس برای حفظ و تحکیم دین محمد رسول الله می دانستند و چنان که آخوند حسینیان در مورد حاج آقا سعید امامی گفت، آدمکشانی نظیر سعید امامی قبل از رفتن به بازجویی متهمان وضو می گرفتند. این جنایتکاران در رژیم از عنوان دیگری هم برخوردار شدند: سربازان گمنام امام زمان. خود «امام خمینی» زمانی که تازه یک ماه از ورودش به ایران می گذشت، از اولین فتواهایی که صادر کرد فتوای حرام بودن گوشت یخ زده بود (کیهان ۱۲ اسفند ۱۳۵۷). در پی این فتوا سازمان گوشت کشور اعلام کرد که ۱۷ هزار تن گوشت یخ زده در سرد خانه های کشور موجود است و سی درصد گوشت مصرفی کشور گوشت وارداتی است که به شکل یخ زده حمل و نگهداری می شود. دولت موقت هم اطلاعیه داد که دستور داده است از توزیع گوشتهایی که ذبح غیر شرعی و مشکوک دارند جلوگیری شود اما یاد آور شد که مقداری از گوشتهای یخ زده با نظارت هیاتهای مسلمان ذبح شده است (کیهان ۲۱ اسفند ۱۳۵۷). اکنون نتیجه حکومت مردان خدا و اجرای «حکام حیاتبخش» اسلامشان بر همه روشن است. جنایات هولناک، جنگی ۸ ساله و ویرانگر، فقر و فحشا، بی عدالتی، و حرص مال اندوزی دست اندر کاران نظام الهی جمهوری اسلامی.

سخنرانیهای خمینی در همان آغاز به قدرت رسیدن به خوبی نشان دهنده تمایل او به قیم مردم بودن و سرکوبی دگر اندیشان است. من به دانشجویان عزیز و نسل جوان توصیه می کنم که برای آگاهی بهتر از شریط و فضای سیاسی اوائل انقلاب، سخنرانیهای خمینی در اوائل سال ۱۳۵۸ را بخوانند. به گمان من حتی تنها یک سخنرانی او در دیدار با فرهنگیان اهواز در اوائل خرداد ۱۳۵۸، به خوبی روشنگر سطح مطالبات سیاسی و حضور فعال گروههای دگر اندیش غیر مذهبی در

است که رژیم سابق نه و خارجیها هم نه. اما چی؟ اما اسلام هم نه، آنهایی که به خیال خودشان حسن نیت دارند نه رژیم سابق را می خواهند، با آن دشمن هستند و نه اجانب را می خواهند با آن هم دشمن هستند و نه اسلام و آخوند راه، آن که با عنوان روحانین و آخوند مخالف است آن دشمن شماس است. او آزادی را ممکن است برای شما تامین کند. استقلال هم ممکن است برای شما تامین کند، اما استقلالی که در آن امام زمان نیست آزادی که در آن قرآن نیست آزادی که در آن پیغمبر اسلام نیست... ملت ما تبع حضرت سید الا شهدا شد. او خونس را برای چه داد. او حکومت می خواست؟ او خدا را می خواست او می خواست که اسلام در خارج تحقق پیدا کند. این برنامه کوتاه مدت شماس اللهم قد بل لقد من رساندم به شما ملت، من مطلب را گفتم به شما... من حجتی که خدا به برایم دارد ادا کردم این برنامه کوتاه مدت شماس که باید با تمام اینها مبارزه کنید بدتر از مبارزه ای که با شاه کردید. او در عین قدرتش هم باز اسم خدا را می آورد، باز زیارت می رفت ولو به طور ریا بود. اما اینها ریایی هم حاضر نیستند. اینها همچون فرار می کنند از اسلام و قرآن و احکام اسلام که حاضر نیستند دروغ هم بگویند ولو خلاف هم باشد بگویند و برونند. بعضی از این نویسندگان حاضر نیستند برای جلو بردن مقصدشان یک کلمه اسلام به کار ببرند ولو برای این که ما را بازی بدهند. ما باید با اینها همان مبارزه ای را بکنیم که با محمد رضا کردیم برای این که توطئه در کار است نه قضیه آزادی. جمع آوری قشرها را در هم و برهم راه انداختن به هر بهانه ای،

نمی شود هم طرفدار خمینی بود هم طرفدار مردم و مردمسالاری

برای هر استخوانی میتینگ راه انداختن و دنبال آن با اسلام مخالفت کردن قابل تحمل نیست... منظور خمینی از میتینگ راه انداختن برای هر استخوانی، مراسم بزرگداشت یکصدمین سالگرد تولد دکتر مصدق بود که چند روز قبل از دیدار خمینی با فرهنگیان اهواز، در ۳۱ اردیبهشت برگزار شده بود و جمعیت عظیمی در آن مراسم گرد آمده بود و طبعاً بقیه در صفحه ۱۰

قرآن را می خواهید، شما برای اسلام قیام کردید. این همه رنج و زحمت که روحانیت می برد برای اسلام است. هر جا گفتند جمهوری بدانید توطئه است که اسم اسلام را نیاوردند. این همه تبلیغاتی که اهل قلم می کنند نمی دانم اهل بیان می کنند که ما از آن دیکتاتوری فارغ شدیم دیکتاتوری عمومه و کفش آمده، اینها ضد اسلام هستند. آخوند دیکتاتور نیست آخوند می خواهد مردم آزاد باشند. آخوند با توطئه مخالف است نه با آزادی... آنهایی که حسن نیت دارند، حسن نیت به این معنا که نیتشان این